



۲۰۲۲/۰۴/۰۴



محمد عارف عباسی

ولی احمد نوری که من افتخار شناختش داشتم

از مدتی است که متواتر بنابر روابط وسیع اجتماعی، شناخت ها، قرابت ها و دوستی ها با اعزاز و اکرام از رفتگان مرثیه می نویسم. با وصف درک مفهوم ارشاد ذات ذوالجلال و الاکرام الهی که "ترا من آفریده ام، از آن منی و باز به سوی خود می طلبمت" آری واقعاً برای مؤمن معتقد این واقعیت است، ولی با قبول آن انسانی که الله آفرید، توتہ گوشت پر اسراری به نام قلب را در سینه اش ماند، و آن را مهد عشق، احساس، عواطف و مروت، ساخت، علایق آفرید، رفتن هر عزیزی و جدایی از دوستان و وابستگان طاقت فرسا و درد ناک است و تحملش نهایت دشوار.

با نگارش مرثیه بهترین و گرامی ترین دوستم و با سنگینی غصه سوزناک رحلتش نمی دانم که گر قلم را یارا و نیروی بازتاب احساس، احترام، ارادت، اخلاص و دوستی صادقانه و بی شایبه من که واقعاً شایسته منزلت این بزرگ مرد باشد انجام دهد. نگوید قلم که عصه ات چنان گران است و رنگ من در تبارزش قلیل.

در نیمه دهه ۹۰ میلادی دوست عزیزم انجنیر سیدال هومان همکار قلمی و بسایت افغان جرمن آنلاین بعد از خواندن دو سه مضمونم در آئینه افغانستان مرا تشویق به همکاری با آن وبسایت نمود.

من ساده نویس بی خیر از حکمت زیر و زیر، اصول نقطه گذاری علامات کرسی نشینی حمزه، ویرگل و غیره، ناگهانی سر کارم با دانشمند خردمند نخبه مدیر مسوول ذره بین و دقیق موشگاف و بسایت جناب ولی احمد نوری افتاد که زیبایی و مؤثریت نوشته را تنها در محتوا و صلابت و قدرت نویسندگی نه می دید بلکه او را عقیده بر آن بود که مراعات اصول Punctuation بر جذابیت، اهلیت و کیفیت نوشته و پرهیختن از کار برد کلمات بی ریشه بیگانه می افزاید. این شاگردی و استادی سرآغاز معرفت افتخار آمیز من با جناب محترم ولی احمد نوری بود. اکثراً نوشته هایم از لحاظ مفهوم و محتوی مورد پسند شان قرار گرفته ولی نوشته را با رنگ آمیزی ها برای اصلاح مسترد می کردند که گهی سرخ بر زرد سبقت می جست. لطف نموده می فرمود که من اصلاح می توانم ولی تو خود باید بیاموزی، یا ربی، دوباره شاگرد صنف اجد شد و هر بار درسی نوی می آموختم که نمی دانستم. و فهمیدم که مراعات این اصول تاچه حد صفحه را تزئین بخشیده و به شکل شمائل آن می افزاید. این اصلاحات به ذات خود مکتبی بود برای دور ماندگان از وطن و زبان مکالمه و مفاهمه با قواعد و صرف و نحو که از خیرات نوری صاحب آموختم ولی زحمات شان در تدریس به آنلاین کردن مضمون بی حاصل ماند و رهایم کرد.

دانستم که مضمون نوشتن عریضه نویسی پیش دروازه ولایت کابل نیست.

یکی از بهترین خاطرات زندگی ام افتخار پیوستن من با انجمن اهل خبره افغان جرمن آنلاین و شرکت در مجالس سکاپی روز های جمعه شان بود که بعد ختم برنامه تلویزیونی ام شرکت می کردم. که با کمال حرمت با محبت و صمیمیت بدون حلق خشکی و آزردهگی مباحث با دیدگاه های متفاوت روی مسائل مربوط وطن توأم با مزاح ها و فکاهیات صورت می گرفت به شمول نوات محترم دانشمندان نخبه، انجنیر صاحب کریم عطایی (صحتمندی شان آرزوست)، مرحوم ولی احمد نوری، رحمت آریا، میرمن ملالی موسی نظام، اکبر زمین، نعیم بارز، اعظم سیستانی، رحمن غوربندی،

انجنیر سیدال هومان، مسعود فارانی، غوث جان باز، انجنیر قیس کبیر. فضا نهایت دوستانه بود که از معرفت با این نخبگان و آن مجالس خاطرات خوشی دارم.

همکاری من با محترم ولی احمد نوری مندرجاً با شناخت عمیق تر و روابط نهایت مستحکم، صمیمانه، با احترام متقابل به توأم با صداقت و صراحت لهجه قائم گردید. دوستی که در قاموس عنعنات معتبر افغانی تعریف شده بود. یگانه دلیل تحکیم روز افزون و اعتماد بر هم دیگر طرز دید و وجوه مشترک ما در مسائل ملی بود.

در ابتدا با طرز گفتار و بذله گویی ها و مزاح های من نا بلدی می کردند ولی کم کم عادت کردند.

احترام من به جناب شان وقتی فزونی یافت که در یافتن پدر مرحوم شان یک محکوم و متهم ناحق استبداد بوده و مدتی را در زندان سپری کردند. ولو که عمل ظالمانه غیر انسانی بود، این حادثه اندک ترین تأثیر، جزء یاد درد ناک آن، بالای افکار و طرز دید ولی احمد نوری نه داشت و برعکس بعضی ها قلم و اندیشه اش را با عقده کشایی به سوی تخریب اذهان عامه و تحریف واقعیت ها مسیر نه بخشید.

او رویداد های وطن را با عقلانیت و درایت و شناخت عمیق جامعه با سینه فراخ از چشم انداز وسیع بدون کدورت، نفرت، تعصب و تبعیض می دید.

مرحوم محترم ولی احمد نوری بر بنیاد واقعیت های عینی جامعه، شرائط اجتماعی، اقتصادی و روابط بین الدول به شخص مرحوم اعلیحضرت محمد ظاهر شاه و چهل سال دوران سلطنت شان به حیث یک زمام دار معقول، جامعه شناس، برده بار، متواضع، خردمند، متعادل، دوری گزین از تجمل و تشریفات و احساسات افراطیت، منم گویی و خود خواهی، واقع بین خیر و صلاح وطن، معمار نه ویران گر و عادل، احترام، ارادت و عقیدت خاص داشت که یکی از وجوه مشترک ما بود که او از من می خواست که این را بعد از وفات شان بنویسم.

در دوران مهاجرت، ولی احمد نوری، به حیث یک فرزند با احساس وطن پرست برای متجلی ساختن داعیه سترگ مقاومت بی نظیر ملی افغانستان علیه تجاوز وحشیانه شوروی و حکمروایی مزدوران شان علاوه بر فعالیت های مطبوعاتی، فرهنگی و تبلیغاتی در تداوم مجروحین جهاد افغانستان در فرانسه مساعی زیادی به خرج داده و با جمعیتی برای انتقال مسالمت آمیز قدرت در افغانستان و جلوگیری از خون ریزی و ویرانی خدماتی ارزنده نمودند که متأسفانه با نفوذ بازی گران سیاسی ناکام شد.

به کمک پسریم یما سه بار اروپا رفتم و در هر مرتبه به زیارت نوری صاحب شتافتیم ما را با همسر محترمه و مهربان خود ژنین جان با نهایت عزت و حرمت شاهانه پذیرایی نمودند بهترین میزبان خوش صحبت و شریں کلام و خوش سلیقه بوده و آشپز بسیار مجرب و ماهر. در هر بار این ضیافت ها قصه های ما تا دمدمه صبح دوام داشته افغانستان به پاریس می آمد.

در آخرین دیدار نوری صاحب دعوت شأندار ترتیب و این بار وطندار ما ضامن علی جان به حیث میزبان لذیذ ترین هوسانه های وطنی را تهیه نموده و به خاطر ما از دانشمندان محترم متوطن پاریس جنابان محترم داکتر کمال سید، اکبر زمین، نعیم بارز و ظاهر عزیز دعوت نموده بود، شبی با مهمان داری با صفا و صمیمیت نوری صاحب عزیز نهایت پرکیف خاطره آفرین بود تا روشنی صبح ادامه یافت. ما مات و مبهوت صحبت های دلچسپ و آموزنده این بزرگواران بودیم، بزمی بود از دلباختگان عشق پرسوز افغانستان که زیست گرفته تا فلسفه و تاریخ محتوای صحبت ها بود. واقعاً شب پر از خاطره بود و برای یما اولین فرصتی بود که خود را در جمعیت نخبگان افغان می دید و برایش مسرت بار و در عین حال غم انگیز بود و گفت پدر حیف که افغانستان چه شخصیت های دانای خود را از دست داد. و هر بار از آن شب و دوستان و کاکا نوری یاد می کند.

داکتر کمال سید نور افکن این محفل بود که نه تنها طیب نامور افغان بلکه وارد فلسفه و تاریخ وطن و جهان بود.

Hello Paris "Noori"

Hello Kabul "Jenin"

این قصه عشق نوری صاحب با همسرش ژنین جان است که در افتتاح تلفون رادیویی کابل و پاریس، نوری صاحب از مرکز اتومات کابل صدا زد «هلو پاریس» و "ژنین" زپاریس صدا برآورد هلو کابل. این مکالمه و این صدا در قلب نوری صاحب به طور اسرار آمیزی راه یافته و باعث ایجاد عشق افسانوی تأریخی شد تا این که ولی جان صاحب این صدا را در سفرش به پاریس یافت و این عشق مأورا بحار به وصلت انجامید و هر دو چون عاشق و معشوقه هم راز و غم گسار همدگر باهم زیستند و ولی جان هلوی کابل خود را تنها ماند.

خانم ژنین نوری در اقامتش در افغانستان در ترقی، توسعه، تغییر دیزاین پوسنتین و پوستینچه غزنی مساعی به خرج داده محصول صنعتگران غزنی را در بازار پر تقاضای اروپا عرضه نمود و عاید معتناهی نصیب مؤلدین آن شد.

ولی احمد نوری یک فعال سیاسی و فرهنگی و اطلاعاتی بوده که از خود آثار گرانمایی به میراث مانده که درج آرشیف وبسایت ها است.

ولی احمد نوری بنیان گزار و مدیر مسؤل وبسایت افغان جرمن آنلاین و وبسایت آریانا افغانستان آنلاین بود.

خداوند به ولی احمد نوری قلبی داده بود به صفایی آئینه بی گرد و غبار راست و روشن که در آن تقلب، کذب، ریا و فریب و دغلی راه نداشت. به تاسی از اعتماد به نفس خود بر همه اعتبار می کرد و گمان نمی برد کسی در حقش ناحق جفا کند و نیکی اش را به بدی پاسخ گوید. مهربان بود و سخاوت مند، رک و راست در خدمت دوست حاضر تا قیمت جان. در وطن پرستی همتا نداشت زندگی ولی احمد نوری در افغانستان، نامش وقار و عزتش خلاصه می شد.

در برابر دشمنان وطن، وطن فروشان و اجبران بیگانه موقف آشتی نا پذیر داشت.

همان طوری که تجاوز بر حریم خاکش رانمی خواست به حیث آزاده مرد نیکو خصلت حافظ افتخارات فرهنگی و تاریخی هرگز تجاوز بر زبان و فرهنگ و ادعای مالکیت خاک و ناموران افغان را نمی پذیرفت و با شهادت علیه آن مبارزه می کرد. به قومیت خود می بالید ولی من می دانم که قوم گرا و قوم پرست نه بود.

خوش باوری زیادش و قلب مصفایش زمینه ساز سوء استفاده دون صفتان گردیده در حقش ناسزا گفتند و اتهام بستند. هرگز در صدد انتقام جویی نه بود، چون نیت بدی در قلب و در دماغ نداشت و به کسی هرگز ضرر نه رسانیده بود از بدی دیگری سخت می رنجید و زود آزوده می شد.

فتنه انکیزی و غماضی بد خصلتان او را با قلب پاکش نسبت به دوستان نزدیک و وفادارش مشکوک می ساخت اما خوش بختانه به حرف و وساطت من گوش می داد و وقتی قائل می شد.

تا صحبتش خوب بود هفته دو سه بار با من صحبت می کرد و در امری با من مشوره کرده به پیشنهادات من همیشه احترام داشت.

دوستان جوانی و شرائط زندگی در وطن موضوع جداگانه است ولی در غربت و مهاجرت یافتن دوستانی چون ولی احمد نوری کمال سعادت است و رفتنش واقعاً سخت دردناک و روان افکار کن است.

اگر تا صبح بنویسم فکر می کنم آن چه شایسته این دوست خوب و عزیزم است نه گفته ام.

نوری صاحب از بارگاه الهی برایت آمرزش طلبیده روح شاد و خاطرات ات جاویدان و بوستان برگزیدگان مکان و آسایش گاهت می خواهم.

به همسر مهربان و رفیقۀ زندگی اش ژنین جان و برادر زاده هایم ثریا جان و سبرینه جان، دوست عزیزم داکتر کمال سید و محترمه حفیظه شنسب مایار صبر جمیل استدعا دارم.
انا لله و انا الیه راجعون.



برای مطالب دیگر محمد عارف عباسی روی عکس کلیک کنید

